

دو نظر درباره این کتاب و مؤلف آن

طری است درختان، مؤلف این کتاب، نویسنده‌ای است توانا که افراد و موجودات آنگار خرد و باورهای بشری می‌کند. او دانش و نظر می‌نویسد و قدرت تشخیص در این باره که چه کتابی را بپسندد یا نه

فهرست مطالب

نه	یادداشت مترجم درباره نویسنده کتاب
۱	۱. مقدمه
۸	۲. انقلاب اقتصادی
۳۸	۳. دنیای شگفت‌انگیز آدام اسمیت
۷۸	۴. دیدگاه‌های تیره و تار مالتوس و ریکاردو
۱۱۳	۵. رویاهای سوسیالیستهای آرمانگرا
۱۵۰	۶. نظام نرمش‌ناپذیر کارل مارکس
۱۹۲	۷. عصر ویکتوریا و دنیای زیرزمینی اقتصادیات
۲۴۲	۸. جامعه وحشی تورستین ویلن
۲۸۵	۹. توآوریهای جان مینارد کینز
۳۳۴	۱۰. دنیای نوین
۳۷۰	۱۱. فراسوی انقلاب اقتصادی
۳۹۰	واژه‌نامه انگلیسی - فارسی
۳۹۷	تمایه (فهرست راهنما)

این کتاب زندگینامه مردان انگشت شماری است با شهرتی شگفت انگیز. آنان، با معیارهای کتابهای تاریخ دبستانی، مردانی هستند بی اهمیت و بی نام و نشان؛ هیچ لشکری را رهبری نکرده اند، کسی را به سوی مرگ نفرستاده اند، بر هیچ امپراتوری حکم نرانده اند، فقط در تصمیمات تاریخ ساز سهمی کوچک برعهده گرفته اند. چند نفری نام آور شده اند اما هیچ یک قهرمان نبوده است؛ بعضی آشکارا مورد افترا و بد رفتاری قرار گرفته اند اما هیچ کدام آدمی شریر و تبهکار نبوده است. با اینهمه، کارهای آنان از اقدامات بسیاری از دولتمردان که در هاله ای از نور می درخشند تأثیری قاطعتر در تاریخ داشته است و از جا به جا کردن و جلو و عقب کشیدن نیرو در امتداد مرزها، عمیقاً آشوب برانگیزتر، و تأثیر نیک و بدشان از فرمانهای پادشاهان و قانونگذاران نیرومندتر بوده است. علت این است که آنان بر اذهان نفوذ کرده به مغزها شکل بخشیده اند.

مقدمه

و چون کسانی که روح و مغز افراد را در اختیار می گیرند قدرتی بیش از شمشیر و اقتدار سلطنت دارند، در حقیقت، این مردان هستند که بر دنیا حکم رانده به آن سر و سامان داده اند. معدودی از آنان به کار عملی دست یازیده اند و بیشترشان به تحقیق و پژوهش پرداخته اند - آرام و بسی سر و صدا، به دور از همهمه، فارغ از اینکه دنیا درباره آنان چه نظری خواهد داشت. اما به دنبال خود

امپراتوریهای متزلزل و قاره‌های منفجر شده برجا گذاشتند؛ از رژیم‌هایی حمایت کردند و بعضی را به خاک سیاه نشانند؛ طبقه‌ای از مردم را در مقابل طبقه‌ای دیگر و حتی ملتی را رویاروی ملتی دیگر قرار دادند نه از راه دسیسه و شرارت و اسباب‌چینی بلکه به‌کمک قدرت خارق‌العاده آراء و عقایدشان.

اینان چه کسانی بودند؟ ما آنان را «بزرگان اقتصاد» می‌شناسیم. اما شگفتی اینجاست که اطلاعات اندکی از آنها داریم. شاید چنین تصور شود در دنیایی که مسائل اقتصادی آن را به هم ریخته، در دنیایی که پیوسته نگران امور اقتصادی است و همه‌جا از مسائل اقتصادی سخن در میان است، بزرگان اقتصاد هم باید مانند فیلسوفان بزرگ و دولتمردان چهره‌هایی آشنا باشند. اما چنین نیست. آنان سایه‌های مبهمی در گذشته هستند و به موضوعهایی که با چنان شوق و شور به میان کشیدند از دور با هیبت و ترسی آمیخته به احترام نگریسته می‌شود. می‌گویند مباحث اقتصادی بی‌تردید اهمیتی شایان دارد اما سرد و بی‌روح و دشوار است، و بهتر است آنها را برای کسانی بگذاریم که با افکار و عقاید غامض و پیچیده سر و کار دارند و به آنها علاقه‌مندند.

چنین پنداری از حقیقت بسیار دور است. آن‌که تصور می‌کند اقتصاد خاص استادان است فراموش می‌کند که این دانشی است که مردان را به سنگرها فرستاده است. آن‌که نظری سطحی به کتابهای درسی اقتصاد انداخته و به این نتیجه رسیده است که موضوع آن بی‌اهمیت و ملال‌انگیز است مانند کسی است که در فن سپاهگیری و لشکرکشی کتابی ابتدایی بخواند و نتیجه‌گیری کند که تحقیق در امور جنگی باید کاری خسته‌کننده باشد.

اما چنین نیست. بزرگان اقتصاد پژوهشی بس هیجان‌انگیز و هم خطرناک در پیش روی دارند که نظیرش کمتر در جهان وجود دارد. با افکار و عقایدی سر و کار دارند که، بر خلاف موضوعهای مورد بحث بزرگان فلسفه، با کار و امور روزانه زندگی بسیار نزدیک و مربوط است. تجاربی را به مرحله عمل می‌آورند که با آنچه دانشمندان علوم تجربی در انزوای آزمایشگاههای دورافتاده

به آزمون می‌گیرند تفاوت فاحش دارد. آراء و عقاید بزرگان اقتصاد دنیا را به لرزه درمی‌آورد و حاصل اشتباهاتشان مصیبت و فاجعه است. لرد کینز، که خود یکی از بزرگان اقتصاد است، نوشته است:

«عقاید اقتصاددانان و فیلسوفان علوم سیاسی، چه درست باشد چه نادرست، در هر دو صورت بیش از آنکه معمولاً تصور می‌شود نیرومند است. در حقیقت همین گروه کوچک است که دنیا را اداره می‌کند. مردان اهل عملی که خود را از هرگونه تأثیر و نفوذ روشنفکرانه دور و برکنار می‌پندارند و معمولاً بردگان بعضی از اقتصاددانان در گذشته هستند؛ دیوانگانی که بر سریر قدرت تکیه زده‌اند و مدعی هستند که گوش به‌ندای آسمانی دارند و هیجان و شیفستگی خود را با نوشته‌های درهم و آشفته بعضی از دانشگاہیان زمان گذشته صفا و جلا بخشیده‌اند. من اطمینان دارم که درباره قدرت منافع مسلم خاص افراد، در مقایسه با پیشرفت تدریجی عقاید، بشدت مبالغه شده است.»

یقیناً همه اقتصاددانان در زمره این بزرگان نیستند. هزاران نفر از آنان فقط به نوشتن متنهای اقتصادی پرداخته‌اند، بعضی نمونه کامل‌کننده‌ای هستند یا درگیر کاری ملال‌انگیز و با همان حرارت و تعصب دانشمندان قرون وسطا به‌کاوش در امور جزئی و نکات کوچک و بی‌اهمیت پرداخته‌اند. اگر امروزه اقتصاد درخشش چندانی ندارد و از ماجراجوییهای بزرگ در آن خبری نیست، غیر از عاملان و به‌کاربرندگان خود اقتصاد هیچ‌کس دیگر را نباید سرزنش کرد. زیرا اقتصاددانان بزرگ روشنفکران صرف نیستند که بر سر مسائل جزئی هیاو به‌راه بیندازند. آنان همه جهان را موضوع پژوهش خود قرار می‌دهند و آن را در حالات مختلف در حال خشم و دل‌مردگی و یأس تصویر می‌کنند. تحول عقاید کفرآمیز آنان به‌صورت عرف عام و عقاید مقبول و نمایش آنها به‌صورت عقاید خرافی بیش از هر چیز در ساختار تدریجی بنای زندگی معاصر تأثیر دارد.

به‌ندرت می‌توان مردانی شگفت‌آورتر از اینان - کسانی که ظاهراً بر آن نبودند تا دنیایی تازه بنا کنند - تصور کرد.

در میان آنان یکی فیلسوف بود آن دیگری دیوانه، یکی کشیش آن دیگری دلال بورس، یکی انقلابی دیگری از اشراف، یکی هواخواه